فرمود: «اى نوح، او در حقیقت از کسان تو نیست، او [داراى‌] کردارى ناشایسته است. پس چیزى را که بدان علم ندارى از من مخواه. من به تو اندرز مى‌دهم که مبادا از نادانان باشى.» (46) گفت: «پروردگارا، من به تو پناه مى‌برم که از تو چیزى بخواهم که بدان علم ندارم، و اگر مرا نیامرزى و به من رحم نکنى از زیانکاران باشم.» (47) گفته شد: «اى نوح، با درودى از ما و برکتهایى بر تو و بر گروههایى که با تواند، فرود آى. و گروههایى هستند که به زودى برخوردارشان مى‌کنیم، سپس از جانب ما عذابى دردناک به آنان مى‌رسد.» (48) این از خبرهاى غیب است که آن را به تو وحى مى‌کنیم. پیش از این نه تو آن را مى‌دانستى و نه قوم تو. پس شکیبا باش که فرجام [نیک‌] از آنِ تقواپیشگان است. (49) و به سوى [قوم‌] عاد، برادرشان هود را [فرستادیم. هود] گفت: «اى قوم من، خدا را بپرستید. جز او هیچ معبودى براى شما نیست. شما فقط دروغ پردازید.» (50) «اى قوم من، براى این [رسالت‌] پاداشى از شما درخواست نمى‌کنم. پاداش من جز بر عهده کسى که مرا آفریده است، نیست. پس آیا نمى‌اندیشید؟» (51) «و اى قوم من، از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید [تا] از آسمان بر شما بارش فراوان فرستد و نیرویى بر نیروى شما بیفزاید، و تبهکارانه روى بر مگردانید.» (52) گفتند: «اى هود، براى ما دلیل روشنى نیاوردى، و ما براى سخن تو دست از خدایان خود برنمى‌داریم و تو را باور نداریم.» (53)